



جنبش کارگری

www.iranarchive.com

فهرست

- ۱ توضیح
- ۲ مقدمه
- ۶ مختصری از جنبش کارگری در سال ۵۸ — ۶
جنبش کارگری در سال ۵۹
- الف — روند جنبش کارگری پیش از جنگ — ۱۲
- یورش وحشیانه بشوراها — ۱۵
- ب — روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ — ۲۵
- مبارزات کارگران مجددا گسترش می یابد — ۲۷
- اوج یابی و گسترش مبارزات کارگران — ۳۳
تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته
- ۴۰ فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر
- ۴۳ ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر
- ۴۸ يك جمعبندي کلی

توضیح:

در سالی که گذشت جنبش طبقه کارگر میهنمان عمدتاً بطور خود بخودی و در ابعادی گسترده جریان یافت. در سال گذشته روند پیشرونده و قدرتمند جنبش کارگری در شرایطی موجودیت یافت که پرولتاریا فاقد ستاد رزمنده و رهبری کننده خود یعنی حزب طبقه کارگر میباشد. در چنین شرایطی ارتقاء جنبش خودبخودی به جنبش آگاهانه و سراسری کردن این جنبش تلفیق سوسیالیسم با جنبش کارگری و گام برداشتن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر هدایت جنبش در راستای وظایف مشخص و آنی و نیز وظایف تاریخیستش در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری و محو استثمار و بهره‌کشی بعباهایی از مهمترین وظایف پیشرو بشمار میرود. اما برای حرکت در این سمت و سو و اتخاذ تاشیکهای پرولتاریائی شناخت عینی و علمی از جنبش کارگری، جایگاه آن در جنبش توده‌ای، اشکال مبارزات کارگران، خواسته‌های آنان و چشم‌انداز این مبارزات ضروری است. با درک این ضرورت است که ما میکوشیم در حد توان خود این امر را به انجام برسانیم. ابتدا پس از مقدمه‌ای کوتاه نگاهی مختصر به جنبش کارگری در سال ۵۸ داشته و پس از آن به بررسی جنبش کارگری در سال ۵۹ و بالاخره تحلیلی از این جنبش

میپردازیم. باشد که با ارائه چنین تحلیلهایی و همچنین نقد و بررسی این تحلیل از سوی سایر سازمانهای کمونیستی گامهای خوشتر را در راه پیوند با طبقه کارگر استوارتر سازیم.

(سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

www.iran-archive.com

" برای کارگران آگاه وظیفه‌ای مهتمتر از درك جنبش طبقه خویش، ماهیت آن، هدف و وظایف آن، شرایط و شکلهای هملی آن نیست . زیرا تمام نیروی جنبش کارگری بسته به درجه آگاهی و جنبه توده‌ای آن است. " (لنین) .

مقدمه:

رشد سرمایه‌داری در ایران بعنوان يك کشور تحت سلطه به شك گیری و رشد طبقه کارگر انجامید . خصوصیات و قشریندی طبقه کارگر در ایران چنانست که فقط اقلیت کوچکی از طبقه را پرولتاریای صنعتی تشکیل میدهد . این بخش از طبقه کارگر ایران علاوه بر اشتغال در صنایع سنگین از قبیل نفت و گاز، ذوب آهن، آلومینیوم و غیره در قطبهای صنعتی جدید که عمدتا در طول دهه ۵۰ بوجود آمد (شهرکهای صنعتی) تمرکز یافته است . بخش اعظم طبقه کارگر در واحدهای تولیدی کوچک و همچنین در رشته‌هایی چون راه و ساختمان خدمات و غیره که همراه با رشد سرمایه‌داری تکوین یافته است، به فعالیت اشتغال دارد . ترکیب درونی طبقه کارگر جوان ایران را غالبا کارکرانی تشکیل میدهند که رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و توسعه سرمایه‌گذایرهای امپریالیستی مهاجرت آنانرا از روستا به شهرها سبب

گردیده است. بدون تردید گسیل این نیروها در درون طبقه باعث رشد کتی طبقه گردید. اما در عین حال وجود چنین نیرو-هایی بدون آگاهی به منافع طبقاتی خود در صفوف طبقه کارگر باعث شده است که پرولتاریا دارای رشد کیفی متناسب با رشد کتی خود نگردد.

یک بررسی عمومی از جنبش کارگری نشان میدهد که در سال های خفگان بدلیل مجموعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مبارزات اقتصادی-سیاسی طبقه کارگر به ماههای گذشته اقتصی چشمگیر داشته و طبقه کارگر از سازمان یابی های طبقاتی خود بسر خوردار نبوده است.

رشد تضادهای عینی در اواخر سالهای دیکتاتوری و سرآغاز بحرانی شدید از سال ۵۵ نیروهای اجتماعی وسیعی را در جامعه ایران بحرکت در آورد. اگر چه بدلیل موقعیت و وضعیت نیروهای اجتماعی در آن مرحله از جنبش، عمق یابی تضادها و تشدید بحران اقتصادی و بموازات آن بحران سیاسی ابتدا خرده بورژوازی شهری در صف مقدم مبارزه قرار گرفت اما روند عینی مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد که این طبقه عمدتاً پس از اوجگیری جنبش از ۱۷ شهریور حضور چشمگیری در جنبش توده های داشته است.

جنبش اقتصادی کارگران در آغاز سال ۵۷ که بر سر برخی خواستهای اقتصادی شکل گرفت، از ۱۷ شهریور همراه با اوجیابی

مبارزات توده‌ای تحولی کیفی یافت و به تدریج به اعتصابات همگانی تکامل پیدا کرد. از آن جمله است اعتصاب یکپارچه و متحد نفت-کران که نقش ویژه‌ای در سرنگونی رژیم شاه داشت.

اما با اینهمه بدلیل وضعیت عینی نیروهای طبقه کارگر در ایسن مرحله از جنبش و بعوازت آن فقدان عوامل ذهنی که خود را در محرومیت طبقه از سازمانیابیهای واقعی طبقاتی و نیز حزب طبقه کارگر نشان میدهد در تعامی پروسه مبارزات قبل از قیام جنبش کارگری از هیچگونه هویت مستقل طبقاتی برخوردار نگشت. اما بدون شك طبقه کارگر ایران در جریان قیام تجارب فراوانی آموخت. قیام در واقع میدان کارآموزی مستقیم توده کارگران بود. طبقه کارگر در جریان قیام تا حد زیادی به عظمت قدرت خویش پی برد استعدادهای خود را باز شناخت و افق دید خویش را وسعت بخشید. اری قیام در کسب آگاهی طبقاتی، تجربه و قاطعیت طبقه کارگر سهم بسزائی داشت.

مختصری از
جنبش کارگری در سال ۵۸

رژیم شاه سرانجام همراه با موج عظیم اعتصابات توده‌ای، تظاهرات و بالاخره قیام مسلحانه سرنگون شد. طبقه کارگر در این سرنگونی هر چند فاقد صف مستقل طبقاتی خود بود، لیکن نقش تعیین کننده‌ای بعهده داشت. پس از قدرت‌گیری ارگان سازش، از ۲۸ بهمن ماه با فرمان خمینی کارخانه‌ها ملزم به ادامه تولید میگردند. کارگران بسر کار باز میگردند، اما از آنجا که قدرت حاکمه نه حمایت از منافع و خواسته‌های تاریخی کارگران، بلکه پاسداری از منافع سرمایه‌داران را بعهده گرفته‌است، روند مبارزات طبقه کارگر همچنان ادامه می‌یابد.

مبارزات طبقه کارگر در یکسال پس از قیام روند گسترده‌ای دارد. این مبارزات تجارب گرانبهایی برای طبقه کارگر ایران بهمراه داشت. کارگران در مبارزات روزه خویش بتدریج از بند توهمشان نسبت به حاکمیت رها میگردند و نطفه‌های حرکت مستقل آنها شکل میگیرد، اشکال مبارزه تکامل مییابد. بدین ترتیب آگاهی طبقاتی کارگران ارتقا مییابد. برای ترسیم این وضعیت بطور مختصر مبارزات طبقه کارگر، اشکال، خواسته‌ها و ذهنیت حاکم بر کارگران را در یکسال پس از قیام بر می‌شمریم:

نطفه‌های تشکیل شعراها که قبل از قیام شکل گرفت و خود را در تشکیل شعراهای نفت، راه آهن، توانیر، رزم، و غیره نشان داد پس

از قیام با تشکیل شورا در اغلب کارخانجات گسترش یابد . طبقه کارگر با بی اعتقادی به تشکلهای زرد و فرمایشی دوران رژیم شاه و بنا به ضروریات و نیازهای این مقطع سازمانیابی جدیدی را بکار میگیرد . سیر حرکت روشنفکران به سمت کارخانهها با استفاده از شرایط نسبتاً دمکراتیک عاملی تسریع کننده و مساعد در ایجاد این تشکلهای بشمار میرود . شوراها پیگیرانه خواستههای اقتصادی-سیاسی را پیش میبرند . آنها در این مقطع ارکانهای اعمال اراده توده کارگران در کارخانهها میباشند . وحدت منافع کارگران و عامل آگاهی در برخی مناطق اشکال عالیتری از تشکیک و وحدت کارگران را بنمایش میگذارد نظیر اتحاد شوراها در تبریز و ...

بحران اقتصادی، فرار سرمایه داران و سرنگونی رژیم شاه و تعرض تودهها به نظم بورژوازی بسیاری از کارخانهها را به تعطیل کشانده و پروژههای ساختمانی و صنعتی را متوقف میسازد . از اینرو پس از قیام مبارزات کارگران حول محور بازگشائی، راهاندازی و بازگشت کارگران به کارخانهها و دریافت حقوق معوقه اوج میگیرد . در برخی کارخانجات که سرمایه داران آنها فرار کرده اند شوراها با کنترل کارخانه و بکار انداختن آن قدرت خویش را به عینه به نمایش میگذارند . بسیاری از کارگران اخراجی در دوره رژیم شاه به کار باز میگردند . اخراج افراد ضد کارگر و مزدور محور دیگری از مبارزات کارگران در این دوره است . در این رابطه بیکاران نیز به مبارزه های گسترده روی میآورند . آنها در مبارزات خویش بسیار سریع به رویارویی با حاکمیت کشانده میشوند .

موج تظاهرات و تحصن‌ها و غیره حاکمیت را مجبور می‌سازد که به
بیکاران، حقوق بیکاری بپردازد. شکل عمده مبارزات در این دوره
تحصن است.

طبقه کارگر در اول ماه مه سال ۱۸ با شرکت وسیع در تظاهرات
هرات روز جهانی کارگر وحدت جهانی طبقه را به نمایش می‌رساند.
شرکت هزاران کارگر در تظاهرات نیروهای کمونیست جلوه‌ای از آگاهی
کارگران و نشانی از نطفه‌های صف مستقل پرولتاریا بشمار می‌رود.
مبارزات پراکنده کارگران همچنان ادامه یافته و به رودرویی
آشکار با حاکمیت منجر می‌گردد. در خرداد ماه خواست عمومی ۴۰
ساعت کار طبقه کارگر را هر چند بشکل پراکنده، اما گسترده وارد
میدان میکند. شکل عمده مبارزات در این دوره از تحصن به اعتصاب
بدل می‌گردد.

با آغاز سرکوب و وحشیانه خلق کرد و یورش به سازمانهای سیاسی
و آزادیهای دمکراتیک جنبش کارگری افت موقتی می‌یابد. لیکن از
مهرماه مبارزات کارگران مجدداً اوج می‌گیرد. با قطع حقوق بیکاری
بار دیگر تظاهرات بیکاران گسترش می‌یابد. با اشغال سفارت آگر
چه از یکسو مبارزه اقتصادی پرولتاریا کمرنگ شده و فروکش می‌کند
اما از سوی دیگر با سیاسی شدن جو جامعه طبقه کارگر عمدتاً
و وسیعاً به مبارزه سیاسی روی می‌آورد. در این مبارزه جناحی از
حاکمیت طبقه را بدنبال خود می‌کشد. کارگران وسیعاً تحت رهبری

جناحی از بورژوازی و خرده‌بورژوازی سازشکار در تظاهرات شرکت میکنند. اما نطفه‌هایی از حرکت مستقل طبقه نیز در همین مقطع عینیت دارد، همچون تظاهرات سازمان یافته از سوی اتحادیه‌شوراهای سازمان‌های گسترش و یا کانون شوراهای شرق تهران. در همین زمان روند مبارزات کارگران با تقویت تشکلهای شورائی و تقویت موضع ضد سرمایه‌داری گسترش یافته و در ادامه خود حرکاتی چون صادره سرمایه‌های امپریالیستی به‌مراه دارد. بدین ترتیب کارگران بی اعتماد نسبت به مبارزه باصطلاح ضد امپریالیستی حاکمیت، خود به اقدام مستقیم روی می‌آورند، که در این پروسه مبارزاتی حاکمیت را مقابل خویش می‌یابند.

از دی ماه بتدریج از اعتماد نا آگاهانه طبقه نسبت به حاکمیت بطور چشمگیری کاسته میشود، نطفه‌های عدم اعتماد و اعتراض آگاهانه گسترش می‌یابد. مبارزات طبقه کارگر سیر پیشرونده‌ای آغاز میکند. در طول بهمن و اسفند مبارزه حول سود ویژه اوج بیسابقه‌ای یافته و افزایش قدرت شوراهای و تقویت آنها نتیجه این مبارزات می‌باشد. مبارزه سراسری حول سود ویژه ضرورت عینی وحدت شوراهای را پدید آورده و از این کانال اتحاد عملی آنها صورت می‌گیرد. در این رابطه اتحاد شوراهای گیلان متشکل از بیش از ۳۰ کارخانه شکل می‌گیرد... شوراهای در اواخر سال ۵۸ نقش برجسته‌ای در مبارزات کارگری داشته و رهبری غالب مبارزات را دارند.

بدین ترتیب جنبش خود بخودی طبقه کارگر با افت و خیزهایی در سال ۵۸ مجموعاً تکامل مییابد. در ابتدا مبارزات اغلب برای حفظ شرایط کار (بازگشائی کارخانه و ادامه تولید) شکل میگیرد. هر چند نبود مدیران و سرمایه داران در برخی کارخانجات به کنترل کارخانه توسط شورا میانجامد. اما این حرکت از موضعی آگاهانه صورت نمیگیرد. شوراها در چنین شرایطی جایگزینی نظم نوین بجای نظم کهن وزیر ضرب بودن مناسبات سرمایه داری را از زاویه دید آگاهانه طبقاتی انجام نمیدهند. بلکه گاه حتی این عمل را به تصور اینکه مورد تایید خود دولت سرمایه داری نیز میباشد انجام میدهند. بتدریج کارگران در مبارزات خود با بهره گیری از تجارب خوش به مقابله با حاکمیت میپردازند. از این رو نامه نوشتن، جمع آوری طومار مراجعه به افراد و ارگانهای دولتی که در ابتدا بسیار رایج بود دست زدن به "عمل مستقیم" نظیر اعتصاب و غیره بدل گشته و تکامل مییابد. کارگران دولت موقت برهبری بازرگان را بر بستر ادامه و تشدید بحران اقتصادی، برآورده نشدن خواستها و انتظارانشان بکارگیری سرکوب و... مورد سؤال قرار داده و با آن به مخالفت میپردازند. سرلوب خلق کرد و یورش به آزادیهای دمکراتیک از سوی رژیم جمهوری اسلامی و مقاومت خلق کرد و پیروزی نسبی آن این امر را تشدید میکند. تضادهای درون حاکمیت اوج گرفته و بدلیل پیوند نازل بین جنبش کمونیستی و جنبش کارگری، حزب جمهوری

اسلامی با کنار زدن لیبرالها توهّم کارگران را بسوی خود بر می-
انگیزد . هر چند در همین مقطع جنبش کمونیستی پیوندهای
بیشتری با جنبش کارگری بر قرار کرده است، اما نمیتواند مانع این
امر شود . لیکن سیر متحول اوضاع سیاسی در روند کشاکش انقلاب
و ضد انقلاب و تجارب ناشی از آن و ارتقاء آگاهی توده کارگران
تغییراتی اساسی در ذهنیت طبقه پدید میآورد . با گذشت مدت
کوتاهی، تجربه و مبارزات کارگران زودده شدن سریع اعتماد کارگران
به حزب جمهوری را نیز به همراه دارد .

مبارزات مستقل کارگران گسترش یافته و بر بستر این عینیت
رهنمودهای کمونیستها بیش از پیش در مبارزات طبقه کارگر مادیت
مییابد .

جنبش کارگری در سال ۵۹

الف، روند جنبش کارگری
پیشتر از جنگ :

با شروع سال ۵۹ طبقه کارگر با تجاری فراوان و گرانیها بار دیگر پا به میدان مبارزه میگذارد. کارگران در زندگی روزمره خویش با کسب آگاهی و تجربه در مبارزاتشان و در طول یکسال حکومت رژیم جمهوری اسلامی تا حدودی در یافته‌اند که راه کسب خواسته‌هایشان را باید در اتکاء به نیروی خود و عمل مستقیم و انقلابی جستجو نمایند. از اینرو از همان ابتدای سال و از اولین روزهای شروع کار در کارخانه‌ها مبارزات کارگری آغاز میگردد. این مبارزات در طول فروردین و اردیبهشت ماه بشکل خودبخودی و پراکنده جریان می‌یابد.

در کارخانه ایرداک و پشم و پتو در تبریز اعتصاب کارگران برای دریافت باقیمانده سود ویژه و تعطیلی پنجشنبه شکل میگیرد. کارگران کفش ملی برای ۴ ساعت کار در هفته دست به مبارزات میزنند آنها با عمل مستقیم با ترک کار، مدیریت را به عقب نشینی و امیدارند در کارخانه ایران ناسیونال تعداد ۴۰۰ نفر از کارگران برای تعطیل پنجشنبه به تظاهرات در کارخانه میپردازند که به پیروزی می‌انجامد. کارگران انبارهای عمومی برای استخدام رسی تحصن کرده و کارگران جنرال موتورز که خواهان طرح طبقه بندی مشاغل میباشند از خروج تولید جلوگیری می‌کنند هر چند که به نتیجه‌ای

نمیرسد. کارگران مبارز کارخانه سیمکو با بکارگیری اشکال گوناگون مبارزه از جمله اعتصاب، سودویزه را طبق طرح "اتحاد شوهای کیلان" دریافت میکنند. کارگران صنایع فولاد در ادامه مبارزات بیکیرشان برای بازگرداندن کارگران اخراجی مبارز و اخراج افسراد سر سیرده و ضد کارگر و نیز ملی کردن صنایع فولاد به تظاهرات بر شکوهی در اهواز دست می‌زنند. در کارخانه ترانس بیک کارگران یک مهندس ضد کارگر را اخراج می‌کنند مبارزه تا درگیری با ژاندارمری ادامه می‌یابد که با مقاومت یکپارچه کارگران پیروزی میرسد. در چند کوره‌پزخانه نیز برای افزایش دستمزد اعتصاب-بانی صورت می‌گیرد.

همچنانکه می‌بینیم مبارزات کارگران هر چند گستردگی مبارزات اسفند ماه را نداشته و افت پیدا کرده، اما هنوز نیز نسبتاً وسیع جریان دارد. البته بر خلاف اسفند ماه ۵۸ که خواست واحد و عمومی چون سود ویژه اعتصابات کارگری را بر می‌انگیزد، کارگران با مطالباتی گوناگون به مبارزه روی می‌آورند. دو روز تعطیل و ۴ ساعت کار در هفته، طرح طبقه بندی مشاغل عمده-تورین مسئله در مبارزات کارگران بشمار می‌رود. اشکال مبارزه که کارگران در این مقطع بکار می‌گیرند عمدتاً اعتصاب در کنار آن تحصن و نمونه‌هایی در جلوگیری از خیرج تولید میباشد و ندرتا اشکال قانونی مبارزه چون مراجعه به وزارت کار و غیره... بچشم می‌خورد.

در این مقطع بشکلی عمده کارگران شوراهای توده و رهبری
اغلب مبارزات را شوراهای انقلابی بعهده دارند. با توجه به
نقش شوراهای در پروسه مبارزات کارگران و بخصوص تقویت آنها در او-
آخر سال پیش این ارگانها می توانند بیش از پیش در میان کارگران
پایگاه توده‌ای کسب کرده و اعتبار بیابند و در مجموع قدرت شوراهای
افزایش می یابد.

مجموعه مبارزات کارگران و اشکال مبارزاتی آنها خود بیانگر
ذهنیت کارگران در این مقطع نسبت به حاکمیت می باشد.
در واقع توده کارگران در بطن تحولات جامعه در پروسه مبارزات
شان و با کسب تجربه و آگاهی تا میزان معینی به ماهیت حاکمیت
کارگری حاکمیت و بخصوص حزب جمهوری اسلامی، با توجه به عمل-
کرد گسترده آن پی برده و بیش از گذشته از آن روگردان میشوند.

یورش وحشیانه به شوراهای:

در چنین شرایطی است که مبارزه جوشی کارگران به همراه مبارزات گسترده سایر اقشار و خلقها ادامه بحران اقتصادی و... رژیم را به بکارگیری سیاست سرکوب لگام گسیخته وامیدارد. یورش گسترده به آزادیهای دموکراتیک در اردیبهشت ماه با طرح حزب جمهوری اسلامی، مبنی بر بستن دانشگاهها و سرکوب دانشجویان آغاز می-گردد. بنی صدر پرچمدار این حرکت سرکوبگرانه گشته و توده ها نا-آگاهانه را به خیابانها میکشاند.

این حرکت از همان ابتدا علاوه بر مقابله کارگران پیشرو بسا مخالفت عده ای از کارگران میانی مواجه میشود. توده کارگران اغلب بدین لحاظ مخالفت خود را آشکارا نشان نمی دهند که تبلیغات پر سر و صدای حاکمیت که کمونیستها مانع سر و سامان یافتن اوضاع و تثبیت دولت شده اند، آنانرا می فریبند. اما با گذشت زمانی کوتاه ماهیت این حرکت را برای توده کارگران نیز آشکار میسازد.

بدنبال یورش وسیع به آزادیهای دموکراتیک، حمله سازمان یسافته و گسترده به شوراهای آغاز میگردد. جو اختناق در کارخانه اوج می-گیرد. انجمنهای اسلامی بیش از پیش در پیشبرد سیاستهای ضد دموکراتیک و ضد کارگری فعال میشوند.

موج اخراج کارگران آگاه و پیشرو آغاز میشود. و در مواردی

پاسداران برای سرکوب شوراهای و توده کارگران وارد میدان میشوند . بدین ترتیب از اردیبهشت یورش گسترده رژیم اسلامی به شوراهای شروع میشود .

شوراهای در تبریز اولین هدف رژیم قرار میگیرند . در کارخانه ماشین سازی اطلاعاتی بوسیله افراد وابسته به انجمن اسلامی و با نام " کارگران پیرو خط امام " و با محتوای حمله به شورای کارخانه پخش میشود . پس از آن عده محدودی در کارخانه علیه شورا راه پیمایی میکنند و بدنبال آن پاسداران به همراه دادستان انقلاب به کارخانه یورش برده و دفتر شورا را مهروموم میکنند . در پی این حرکت یورش به شوراهای تراکتورسازی ، لبت تراک ، پمپیران و کمپسدر نیز سازمان میکنند که در پیروسی به انحلال آنها می انجامد . در تمام کارخانجات زمینه عینی اعتراض وجود داشته و کارگران به این عمل معترض بودند ، بطوریکه مقاومت های پراکنده ای نیز صورت میگیرد . لیکن درست در همین مقطع اپورتونیسیم راست حاکم بر سازمان که کاملاً " خود را نمایان ساخته ، با سیاست سازش طبقاتی به عاملی مهم در جلوگیری از حرکت کارگران بدل میشود . بدین ترتیب " اکثریت " با اولین گامهای کاملاً آشکار و عملی خود ، با موضعگیری تا سیفیسستی در برابر این یورش ، عملاً " کارگران پیشرو را خلع سلاح ساخته و مانع تبدیل اعتراضات براننده به مبارزهای یکپارچه و وسیع در مقابل سرکوب دستاورد های دمکراتیک قیام گشته و توده کارگران را به مسلخ

بورژوازی میکشاند .

بهره‌گیری از زمینه عینی اعتراض، سازمان دادن مقاومت‌های پراکنده و ارتقاء آن حتی در يك کارخانه بیشك سبب گسترش آن در سایر کارخانجات و مناطق گردیده و به رشد ^{تاریخ سیاسی} پرولتاریا و ارتقاء آگاهی طبقاتی می‌انجامیده در چنین شرایطی حتی اگر به سبب عملکرد تناسب قوای طبقاتی ضد انقلاب موفق به سرکوب شوراهای می‌گردیده، کارگران در پروسه بعدی مبارزاتشان هر چه سریعتر به تشکیل شوراهای پرداخته و کلاً شوراهای نیز از موضع انقلابی‌گری برخوردار می‌گشتند اینچنین است که بی‌اعتقادی اپورتونیسیم راست به توده‌ها، بند و بست با حاکمیت، نفی مبارزه طبقاتی و عدم باور به قدرت دوران‌ساز طبقه کارگر ضربه سنگینی بر مبارزات پرولتاریا وارد می‌آورد .

در پی حمله به شوراهای کارخانجات تبریز، اتحاد شوراهای در گیلان آماج بعدی ارگانهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و از هم پاشیده می‌شوند . مقاومت توده کارگران بخصوص کارگران مبارز کارخانه پوشش بدلیل فقدان مقاومت متحدانه شوراهای و ... غیره راه بجائی نمیبرد .

شورای عالی صنایع دفاع، شوراهای سازمان گسترش و نوسازی کشور، کانون شوراهای شرق شوراهای صنعت نفت اهواز، شوراهای راه آهن تبریز و ... غیره با توطئه‌های "وناکون" به روشهای مختلف و با بهره‌گیری شیوه سرکوب مورد تهاجم قرار گرفته و تعدادی منحل و

یا زرد می‌کردند. حملات به تشکلهای انقلابی دیگر در کارخانجات نیز صورت می‌پذیرد. از جمله سندیکای انقلابی کارخانه ساکاو... غیره منحل می‌گردد.

رژیم جمهوری اسلامی همراه با سرکوب شوراهای سیاست از محتوای انقلابی تهی کردن شوراهای و ایجاد شوراهای زرد و فرمایشی را نیز در پیش می‌گیرد. حزب جمهوری اسلامی با تمرکز نیرو و تقویت "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی" این امر را پیش میبرد. در همین مقطع بنی‌صدر رئیس جمهور با سیاست "شورا بی شورا" عملاً دشمنی خود و دیگر لیبرالها را با کارگران، منافع خواستها و تشکلهای انقلابیشان به نمایش گذاشته و در شمار حزب جمهوری رو در روی طبقه کارگر قرار می‌گیرد.

سران رژیم به خیال خویش قصد داشتند با این تهاجم سازمان یافته و گسترده جنبش کارگری را دچار رکودی طولانی ساخته و بسه عبارتی کاملاً انقلاب را به شکست بکشانند. لیکن بر بستر ادامه و تشدید بحران اقتصادی و نیز بحران سیاسی مبارزات کارگران با استفاده از تجارشان هم چنان ادامه می‌یابد. این مبارزات هر چند پراکنده و بدون پیوند سراسری، اما بشکلی گسترده ادامه می‌یابد. آمار ثبت شده از مجموعه اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر در طول ماههای خرداد، تیر، مرداد و شهریور به روشنی نشان می‌دهد که مبارزه وسیعاً "جریان داشته و در طول ماههای مرداد و

شهرو کستردتر میگردد . بدینترتیب پیش از شروع جنگ ارنجای بین
 دولتهای ایران و عراق با مبارزات رو به اعتلای کارگران رویو هستیم .
 در کنار یورش سراسری به شوها و انحلال آنها موج وسیعی
 از اخراج کارگران پیشرو آغاز میشود . انجمنهای اسلامی در پیشبرد
 این امر بیشترین نقش را بعهده میگیرند . از این پس شکاف بین این
 انجمنها و توده کارگران بسیار عمیق گشته و آنها بمانه ارکانهای
 سرکوبگر رژیم خود را در کارخانه ها نمایان میسازند . اما توده کار-
 گران به مقابله با اخراج میپردازند . از این پس مبارزات دموکراتیک
 کارگران برای بازگرداندن کارگران آگاه و پیشرو و مقابله با اقدامات
 ضد دموکراتیک و ارنجای انجمنهای اسلامی همواره بخشی از مبارزه
 طبقه کارگر را تشکیل میدهد . کارگران اشکال گوناگون مبارزه را در
 پیش میگیرند ، ولو بطور کلی در بازگرداندن اخراجیها کمتر موفق هستند .
 کارگران شرکت لاپکودرلاوان ، کارگران کارخانه ^{سپان} ری و پوشش رشت
 در اعتراض به اخراج کارگران پیشرو از صدور قطعنامه تا تهدید به
 اعتصاب به مقابله میپردازند . کارگران مبارز ایرپوسلان در اهواز دست
 به اعتصاب میزنند . در کارخانجات صنایع دفاع از جمله باطریسازی و
 صنایع هوایی ، پناه پارچین و . . . بسیاری دیگر از کارخانهها
 کارگران به اشکال گوناگون به مبارزه برای بازگرداندن کارگران اخراجی
 روی می آورند . در کارخانه کف کیلان کارگران با عمل مستقیم ۲۶
 کارگر مبارز اخراجی را بکار باز میگردانند که با دخالت پاسداران

سرمایه این حرکت به شکست می انجامد. در تبریز در کارخانجات ماشین سازی، تراکتور سازی، لیفت تراک، کمپیدرو به اشکالی گوناگون از جمع آوری طومار تا تظاهرات در خیابانها توده کارگران حمایت خویش را از دوستان مبارز اخراجیشان اعلام داشته و خواستار بازگشت آنها بسر کار میگردند و...

تداوم بحران اقتصادی عدم سوددهی و... سرمایه داران و دولتشان را به تعطیل پاره ای شرکتهای ساختمانی وامیدارد. اما کارگران که در برابر این عمل تنها فقر و گرسنگی را رویاروی خویش می بینند در مقام بله با آن به مبارزه می پردازند. در خوزستان کارگران پرسیزیون ری و گیلدر دستیان، عمرانی و ساختمانی شهرداری مسجد سلیمان، در اصفهان کارگران ساختمانی پلی اکریل و شرکت گسترش مسکن، در شیراز کارگران شرکت های زمینه، گاماشاترن به اشکالی متنوع از تظاهرات، تحصن، گروگانگیری مدیر و... مبارزه برای جلوگیری از تعطیلی کار و اخراج دسته جمعی را پیش میبرند.

در ایندوره کارگران هر چند محدود شکل دیگری از مبارزه یعنی اخراج مدیران و کنترل کارخانه را نیز بکار میگیرند. این شکل که در ابتدای قیام بعلت فرار مدیران و سرمایه داران بکار گرفته می شد، با هدف دیگری یعنی کنار گذاشتن آنها در موارد معدودی در مبارزت کارگران دیده میشود. اما عموماً این حرکت پس از مدتی کوتاه با یورش وحشیانه رژیم مواجه شده و به شکست می انجامد. تجربه

مبارزات کارگران و وضعیت عینی و ذهنی نشان می‌دهد که مجموعه شرایط برای پیروزی این تاکتیک مناسب نبوده است.

در تهران کارگران کارخانه ناظمی و صنایع الکتریکی البرز سه مبارزه علیه مدیریت پرداخته و با اخراج مدیر خود کنترل کارخانه را در دست میگیرند. در اصفهان در کارخانجات صنایع پشم و دیسبان کارگران با اخراج مدیر کنترل را بدست گرفته لیکن در تمامی این موارد حرکت کارگران به نتیجه‌ای نمیرسد. در کارخانه ترانس بیک تهران کارگران مبارز خواستار اخراج یک مدیر گشته و با اتحاد مبارزاتی خویش موفق به تحقق آن میگردند.

۴. ساعت کار و دو روز تعطیل محور دیگر بخشی از مبارزات کارگران را تشکیل میدهد. در کارخانه ری-او-واک قزوین، نوافرم، ترانس بیک، ارج در تهران و توشیای رشت کارگران با اقدام مستقیم به ۴ ساعت کار جامه عمل می‌پوشانند. در صنایع الکتریکی البرز و کارخانه پارس متال در رابطه با ۴ ساعت کار و دو روز تعطیل اعتراض و مبارزه گسترده‌ای در میگیرد.

در شهرریور لغو قانون سودویژه و تقلیل آن به دو ماه پاداش از سوی رژیم مورد اعتراض تمام کارگران قرار میگیرد ولی حرکت سراسری بر نعی انگیزد. کارگران صنعت چاپ طی تظاهراتی مخالفت خود را با لغو قانون سودویژه اعلام داشته و خواهان شرکت نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار میشوند. کارگران گروه صنعتی بهشرفیات، روشن

نیابتی جهان و گروه صنعتی سایپا در تهران برای دریافت سود ویژه به مبارزه میپردازند .

همچنین مبارزه برای افزایش دستمزد و تحت عناوینی چون طرح طبقه بندی، حق تولید و .. بشکلی پراکنده جریان دارد . در کمپ - سوسازی قزوین کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی دست به اعتصاب - بزرده و تهدید به جلوگیری از خروج تولید می کنند . در ایران گاز آبادان کارگران پس از مبارزه ای پیگیر برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دریافت سود ویژه به برخی خواستهایشان میرسند . کارگران واحد استاندارد کفش ملی پس از اعتصاب و تهدید به جلوگیری از خروج تولید حق تولید را بدست می آورند و ..

مبارزات پراکنده در دیگر کارخانجات نیز همچنان ادامه می یابد . کارگران مبارز شرکت طرح و توسعه تلفن و رادیو شهاب برای دریافت حقوق عقب افتاده شان مبارزه می کنند . کارگران رادیو شهاب با تحصن و جلوگیری از خروج تولید موفق میگردند که سرمایه دار را به وارد کردن مواد خام وادار نموده و از تعطیل کارخانه جلوگیری نمایند . کارگران آر - دی - آی و سازمان آب به تحصن و اعتصاب پرداخته و کارگران شرکت ساختمانی موج برای حق مسکن در اداره کار دست به تحصن زده که به نتیجه ای نرسد .

بطور کلی این توسیعی از روند جنبش کارگری در این دوره می - باشد . اما آنچه که در این پروسه در مبارزات کارگران مشاهده می -

شده مبارزات خودبخودی و غالبا فاقد تشکل انقلابی میباشد. در واقع پس از یورش رژیم به شوراهای انقلابی و اجرای سیاست زرد کردن شوراهاء کارگران تا حد زیادی از این تشکل انقلابی خود برخوردار نیستند. هر چند که در تداوم و اوج گیری هر مبارزه‌ای زمزمه‌های تشکیل شورا و ضرورت آن از سوی کارگران مطرح میگردد.

عامل دیگری که در ایندوره بیش از گذشته خود را نشان میدهد " سرکوب" است. از آنجا که رژیم دیگر به آسانی قادر به فریب توده کارگران نیست، پاسداران را بیش از گذشته و بسیار سریعتر وارد مقابله با مبارزات کارگران می‌کند. در کارخانجات آلومین، پارس-مقال، مدیسمان و بسیاری از کارخانجات پاسداران به سرکوب وحشیانه کارگران میپردازند.

و بالاخره ناتوانی حالت در حل بحران اقتصادی، فشار روز-افزون بر توده‌ها، برآورده نشدن انتظارات و خواست‌های آنان و سر-کوب مبارزاتشان شدید پروسه بریدن توده‌ها از رژیم و سرانشر را بدنبال دارد. اقدامات ارتجاعی و ضد دمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانه‌ها نفرت کارگران را برانگیخته و به‌مراه اقدامات ارتجاعی و ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی در سطح جامعه کاملاً حزب را نزد توده‌ها بی اعتبار میسازد. بازرگان و دارودسته‌اش بدلیل عمل-کرد گذشته و شناخت تجربه توده‌ها از آنان هیچ پایگاهی در میان طبقه نداشته و ولی بنی‌صدر به علت مخالفتش با حزب و سیاست‌هایش

بیش از بقیه لیبرالها توهم کارگران را بوی انگیزد . و بطور کلی گسـر—
ایش توده کارگران به کارگران پیشرو و نیز نیروهای انقلابی رو بسـه
تزاید است .

در چنین شرایطی است که جنگ ارتجاعی و فلاکت بار بیسن
سرمایه‌داران ایران و عراق فرا میرسد .

www.iran-archive.com

ب - روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ

جنبش کارگری که در اواخر تابستان بعد از يك پروسه افت نسبی سیر صعودی را آغاز کرده بود، با شروع جنگ دچار افت گردید. هر چند که جرقه‌هایی از مبارزات کارگران بطور پراکنده در ابعاد مختلف در تعدادی از کارخانجات تداوم داشت.

در اولین روزهای جنگ توده کارگران را احساسات شوونیستی فرا گرفت. شدت این احساسات آمیخته با تعصبات مذهبی آنچنان بالا بود که تعامی فضای کارخانجات را ممانع ساخته بود. دستگاه‌های تبلیغاتی بورژوازی از رادیو و تلویزیون گرفته تا تعامی نشریات بورژوازی با حرارت تمام از دفاع از میهن سخن می‌گفتند. موج میهن پرستی بورژوازی تا حدودی کارگران را فراگرفت. توده کارگران بنحوی- سابقای تحت تاثیر ایده‌های جاری بورژوازی قرار گرفتند. در کنار تبلیغات بورژوازی اپورتونیستم نیز که شرایط جنگ را بهترین زمینه توافق کارگران با سرمایه‌داران یافته بود با تکامل به سوسیال شوونیسم تعامی کوشش سیاسی- عملی خود را در جهت تابع ساختن سرنوشت کارگران به سرمایه‌داران خودی سوق داد. موقتا مبارزات کارگران فروکش کرد. از سوی دیگر با شروع جنگ آبادان و اهواز یکسوی از مهمترین کانونهای مجتمع پترولئاریای صنعتی به صحنه اصلی جنگ دو

دولت ایران و عراق تبدیل گشت. پالایشگاه آبادان در اثر بمباران از کار افتاد. تمام مراکز و پروژه‌های صنعتی یا بحال تعلیق در آمدند و یا کاملاً متوقف شد. کارگران شاغل این ناحیه تماماً به خیل بیکاران و آوارگان جنگی پیوستند. از سوی دیگر طبقه کارگر یکی از منابع تامین کننده سرباز در این جنگ ارتجاعی بود و تعدادی از کارگران در این رابطه جان خود را از دست دادند. از این زوایا طبقه کارگر بیشترین صدمات را در اولین روزهای جنگ متحمل شد. در چنین شرایطی رژیم جمهوری اسلامی به بهانه جنگ از یک سو کوشش برای محدود ساختن حقوق صنفی کارگران را فزونی بخشید و از سوی دیگر قدم به قدم با توسل به شیوه‌های سرکوبگرانه جو اختناق و ضد دمکراتیک را در کارخانجات وسعت داد. شلاق سلسله مراتب مدیریت و بخشنامه‌های وزارتی آئین نامه‌های انضباطی بر کرده کارگران فرود می‌آمد. رژیم از کارگران میخواست که این وضع را به دلیل شرایط ویژه جنگ تحمل کنند. هر چند دفاع طلبی توده‌ها که شره فریب بورژوازی و فقدان آگاهی پرولتاریای جو-ان و کم تجربه‌ای است که هنوز تبلیغات سرمایه‌داری براحتی شور میهن پرستی را در آنان برمی‌انگیزد اما واقعیت سر سخت مبارزه طبقاتی و کارگران را قدم به قدم در مقابل حاکمیت قرار می‌داد. مبارزات پراکنده در اشکال متنوعی از اعتراضات فردی گرفته تا اعتصاب در اواخر مهرماه شکل گرفت و حول خواسته‌های اقتصادی و مطالبات دمکراتیک جریان یافت. در این مقطع که از اوایل مهر تا نیمه

آبانماه بطول می‌انجامد خواستهای عمده کارگران جلوگیری از اخراج و افزایش دستمزد (سودویزه پاداش تولید و...) و اعتراض پراکنده علیه آئین نامه‌های انضباطی و جو خفقان حاکم بر کارخانجات بوده است.

مبارزه کارگران در گروه صنعتی کفش ملی با اعتصاب کارگران یو- نایتد برای دریافت پاداش تولید آغاز میشود که به پیروزی کارگران می- انجامد. کارگران استاندارد در مقابل احجافات فرمها و مدیران دولتی و کنترل قسمتها را در دست میگیرند. کارگران کارخانه عالی نسب برای دریافت سودویزه دست به اعتصاب و کمکاری می‌زنند که به نتیجه نمی‌رسد. تحصن کارگران ایران یاسا در رشت علیه اخراج يك کارگر پیشرو پس از سه روز به پیروزی منجر میگردد. کارگران ورزیده کارو توشیبا در رشت نیز علیه اخراج و تفتیش عقاید به مبارزه می‌پردازند در سیمان درود کارگران برای دریافت سودویزه و مخالفت با بازگشت يك مهندس ضد کارگر دست به اعتصاب و تشکیل مجمع عمومی می‌زنند که در این مبارزه پیروز میشوند.

مبارزات کارگران مجددا گسترش می‌یابد:

هر چه بیشتر دامنه فلاکت ناشی از جنگ آشکارتر میشد بارگرانی و کمبود مایحتاج اولیه زندگی بر دوش کارگران سنگینی می‌کرد و فقر توده وسیع کارگران فزونی میگرفت. جنگ موج وسیع بیکاری، اخراج و

تعطیل کارخانه‌ها را شدت بخشید .

کارگران شاغل نیز تحت این شرایط اعتماد خود را به تأمین حداقل معیشت خود در آینده از دست میداد . ارکانهای سرکوب حاکمیت هر روز بیورش به شوراهای انقلابی را شدت می بخشید . مدیران لیبرال، مکتبی و انجمن اسلامی هر کدام به شیوه مخصوص خود دست اندر کار توطئه و سرکوب بر علیه نمایندگان واقعی کارگران بودند . هر گونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه زورگوییهای سرمایه‌داران و مدیران دولتی سرکوب میشد وضع اقتصادی دهمدم و خیم تر می گشت . بار بلا یای اقتصادی و بحران بر دوش کارگران می افتاد . کارگران در تجربیات روزمره خویش در می یافتند که دولت بر حسب منافع طبقاتی‌اش نمی خواهد بار جنگ را بر دوش سرمایه‌داران قرار دهد . جنگ حاصلی جز فقر و گران، آوارگی و بیکاری برای کارگران و زحمتکشان نداشت . کارگران بر حسب واقعیات ملموس و تجربیات زندگی خود به ماهیت وعده وعیدهای دروغین رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از میهن می میردند و از این زاویه جنگ آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگر به ارمغان آورد . مبارزات کارگران علیه اوضاع فلاکت‌بار از نیمه دوم آبان با وسعت بیشتری آغاز شد . و کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی میزدند، جنگ کم‌کم به فراموشی سپرده میشد و از میزان شور میهن پرستی شورونیستی کاسته میگردید .

در تهران کارگران کارخانجات دخانیات، کانادادرای، گروه صنعتی

بهشهر و کارخانجات مقدم برای دریافت سودویژه با جلوگیری از خروج تولید به پیروزی دست می‌یابند. کارگران مبارز دখانیات به مدت یکماه مانع خروج تولید گشتند. مبارزه کارگران کانادا ادراى به درگیری با پاسداران و شهادت يك کارگر انجامید. در کارخانجات مسلسل سازی اعتصاب کارگران علیه گاهى حقوق خویش با عقب نشینی مدیران دولتی به پیروزی می‌انجامد. مقابله و رویارویی با مدیران دولتی در گروه صنعتی کفش ملی دائر بر توطئه تعطیل کارخانجات و سوء استفاده مالی به تشکیل کمیسیون تحقیق در واحد استانسدارد می‌انجامد و کارگران واحد سرآسیب جهت اعتراض به افزایش حقوق مدیران دست به اعتصاب می‌زنند و پیروز می‌شوند. مبارزه علیه سوء استفاده مالی در کارخانجات ایران ناسیونال، جنرال موتورز و چیت تهران جریان می‌یابد در کارخانه فیلیپس بمنظور اخراج مدیر عامل توسط کارگران راهپیمائی اعتراضی صورت میگیرد. در اصفهان کارگران سیمان سپاهان و نساجی تاج با اعتصاب و راهپیمائی حول کاهش دستمزد (مزایا و سودویژه) به مبارزه بر می‌خیزند در صنایع فولاد و گسترش مسکن اصفهان برای دریافت حقوق عقب افتاده کارگران به گروه‌نگیری و اعتصاب دست می‌زنند. کارگران شرکت واحد اصفهان در اعتراض به اخراج نماینده خود اعتصاب نمودند. کارگران پتروشیمی و ناسیونالی اصفهان نیز برای خواسته‌های اقتصادی به مبارزه بر می‌خیزند. در گیلان در کارخانجات تونسیا و ایران کف در اعتراض به

اخراج نماینده کارگران اعتراض وسیعی صورت میگیرد. کارگران بسا تشکیل مجمع عمومی و دستپردن به کم کاری مبارزه را ادامه میدهند. در کارخانه پوشش و ورزیده کام اعتراض وسیع کارگران علیه جو اختناق اوج میگیرد.

در قزوین موج مبارزه رشد می کند و حادثه تر می شود. مبارزه کارگران ری-اواک-ونیتینگ و شیز و جهت اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید می انجامد که به نتیجه نمی رسد. در ریسندگی آذربایجان مبارزه بر سر دریافت سود ویژه به اخراج ۳ تن از کارگران منجر میشود. مبارزه کارگران فرنخ برای تشکیل شورای انقلابی به پیروزی میرسد.

کارگران مبارز سیمان صوفیان و کبریت سازی تونکی در تبریز برای بازگرداندن اخراجیها با جمع آوری طومار و اشکال دیگر اعتراض می کنند.

در اراک در ماشین سازی، چیپال، ایرالکوبر علیه آئین نامه های انضباطی و مدیران ضد کارگر و بر علیه اخراج کارگران پیشرو و نما-یندگان واقعی کارگران اعتراض گسترده ای صورت میگیرد.

در همین دوره نطفه های نارضایتی از جنگ خود را بشکل مخالفت با پرداخت یکروز حقوق ماهانه به بهانه کمک به جنگ زدگان منعکس می نماید. مبارزات کارگران در این ماهها در مقابل سرکوب شوراهای انقلابی که از کانال مدیران دولتی و انجمن اسلامی با

همکاری گسترده سپاه پاسداران علی میگشت، مقاومت شایان توجه
کارگران را بر وی انگیزت. اتحاد عمل مدیران دولتی با انجمن
اسلامی در سرکوب مبارزات کارگران و عزل و اخراج نمایندگان واقعی
ماهیت ضد کارگری انجمن ها را نزد کارگران آشکار می ساخت. انجمن
ها در ایندوره تفتیش عقاید و جاسوسی را بشکل گسترده ای پیش
می بردند. حس نفرت و مقابله جویی با این ارگان در کارگران رشد
می یافت. از سوی دیگر سیاست بی محتوا کردن شوراها با ایجاد
شوراهای فرمایشی توسط گردانندگان انجمن اسلامی که اغلب در موقع
انتخابات بوسیله پاسداران سرمایه و کمیته چی ها انجام می گرفت با
رویارویی یکپارچه و متحدانه کارگران مواجه می شد. مبارزات کارگران
اج در همین رابطه یکی از نمونه های برجسته در این ماههاست.
سیاست اپورتونیزم راست در ایندوره که مملو از دلیستگی مفرط پسه
رفرمهای جزئی بوده و حق حیات را به اندکی نان بخور و نمیر
فروخته بود با اتحاد سیاسی - عملی هواداران نا آگاهش در کارخان
نها با انجمن اسلامی به بورژوازی کمک نمود تا بتواند شوراهای
انقلابی و کارگران پیشرو را سرکوب کند و سیاستهای بی محتوا و
زرد کردن شوراها را شدت بخشد و از سوی دیگر به تشویق کارگر
ان جهت اعزام به جبهه می پرداخت تا بتواند هر چه بیشتر کارگران
را قربانی این جنگ ارتجاعی بنماید.

در اواخر این دوره جنگ بصورت امری فرعی برای کارگران در

می آید .

اما در يك مقطع کوتاه همزمانیکه بورژوازی عوام‌فروبیانه و با بسوق و کرنا از پیروزی در جنگ ارتجاعی سخن می‌راند کارگران نیز تمام توجهشان بدان سمت جلب شد . ولی اینبار زاویه دید کارگران تنها رضایت از پایان جنگ و قطع آن بود . اگر مبارزات کارگران را در این دوره جمعندی کنیم می‌توانیم بگوئیم :

محور خواسته‌های اقتصادی کارگران در ایندوره افزایش مستمر از کمال نال سودویزه و عمدتاً طرح طبقه‌بندی مشاغل می‌باشد . همچنین مقابله با تغییر و افزایش ساعت کار جنبه‌های دیگر از مبارزات کارگران را تشکیل میدهد .

اما مطالبات دمکراتیک کارگران عمدتاً در حمایت از کارگران پیشرو رو اخراجی و مبارزه بر علیه جو اختناق و تفتیش عقاید و نیز اعتراض به آئین‌نامه‌ها و غیره خلاصه میشود .

شکل عمده مبارزات کارگران در ایندوره اعتصاب است . که در کنار آن اشکال دیگری چون جلوگیری از خروج تولید و راهپیمائی نیز مشاهده می‌شود .

اوج یابی و گسترش مبارزات کارگران:

مبارزات کارگران در مقاطع بهمن و اسفند در سیر تکامل خود از مرحله خواستهای پراکنده اقتصادی فراتر رفته و مبارزه جهت دریافت سود ویژه، عیدی، پاداش در اغلب کارخانجات بگونه‌ای خودبخودی و پراکنده اما با تواتر افزایش‌یافته‌ای شدت گرفت.

ولی فقدان اتحاد سراسری هنوز امکان مبارزه متحدانه و سازمان یافته طبقه کارگر را فراهم نیاورده است. کارگران در این مبارزات که بطور روزافزونی رشد می‌یافت و حادثه‌تر می‌شد، بتدریج در می‌یابند که تنها راه بهبود شرایط آنها و حصول آزادی‌شان اقدام به مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار و دولتشان است. تجربه جنگ همانند هر تجربه دیگر اگرچه در ابتدا چرخش ناگهانی در مبارزاتشان بوجود آورد و باعث توهم توده بیشماری از کارگران گردید. اما تجربیات روزمره و فشار ناشی از بحران اقتصادی بتدریج آنان را آبدیده می‌ساخت. نکته برجسته جنبش کارگری در این دوره مبارزات کارگران مناطق جنگ زده است که بعد از یک افت کوتاه مدت دوباره اوج گرفت.

مبارزه نفتگران جنگ زده جنوب، تظاهرات کارگران ترمینال و بندر خرمشهر و مبارزات کارگران سازمان آب و شرکت شناوه، کارخانه قند و شکر، شرکت دی و صنایع فولاد، کشت صنعت کرسیو، بهره‌برداری شرکت نفت اهواز اغلب حول دریافت حقوق عقب افتاده و اخراج بی رویه

کارگران سازمان یافت حمایت شورای سراسری نفت از مبارزات آنها نشانه حسن اتحاد و همبستگی کارگران بود. مبارزات نفتگران پالایشگاه اصفهان علیه اقدامات خودسرانه مدیریت از جمله لغو سیستم نوبت کاری که بدست توانای نفتگران قهرمان پس از قیام خونین خلسق بر پا شده بود شدت گرفت. نمایندگان شوراهای سراسری پالایشگاهها خواستار تصفیه انقلابی رئیس فعلی پالایشگاه اصفهان و تصفیه عناصر سر سیرده رژیم سابق در شرکت نفت شدند. آنها با طرح اقدام مستقیم خویش در جهت اعمال اراده خود به رژیم هشتمدار دادند.

در کارخانجات ماشین سازی، تراکتور سازی، کمپنری لیفت تراک در تبریز حول سودویزه و جهت بازگرداندن کارگران اخراجی مبارزه شکل میگیرد. در کارخانجات قزوین مبارزات کارگران برای دریافت سودویزه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از یکسو و مطالبات دمکراتیک از سوی دیگر، وسعت گرفت. از جمله در کارخانجات تیزرو، نیتینک، قرقه زینیا، فرنخ، ریسنده گی آذربایجان و تپه، این مبارزه جریان داشت. کارگران در اغلب این مبارزات به اشکالی چون اعتصاب، تحصن و جلوگیری از خروج تولید در مقابل سرمایه داران و دولت حامی آنها قسرامی گرفتند.

در گیلان مبارزات کارگران فرش، پوشش، ووززیده کار، ایران الکتریک حول سودویزه و علیه اخراج شدت یافت. در کارخانه ایران الکتریک

کارگران برای دریافت سودویژه دویوز دست به اعتصاب زدند و مدیران کارخانه را به عقب نشینی واداشتند. در دیگر کارخانجات نیز اعتراض و مبارزه برای سودویژه وسیعاً جریان داشت و کارگران غالباً در این مبارزات پیروز می‌شوند. در تهران مبارزات گسترده‌ای حول سودویژه در کارخانجات شکل گرفت. اعتصابات گسترده در اغلب کارخانجات جریان داشت که در مقایسه با سال گذشته بی‌سابقه بود. کارگران با اشکال متنوعی مبارزاتشان را پیش می‌بردند. در برخی از کارخانجات با جلوگیری از خروج تولید توانستند به پیروزی برسند. اعتصابات گسترده در کارخانجات پارس الکتریک، لندرو، سایپا، پارس متال، لجم تولی پرس، تولید دارو، کارخانجات زاگرس، فرش پارس گوشه‌هایی از مبارزات طبقه کارگر ایران است. در کارخانجات پارس الکتریک اعتصابات شش روزه کارگران، مدیران را به عقب نشینی واداشت. کارگران موفق شدند بخشی از سودویژه را بگیرند. در کارخانجات سایپا کارگران با وجود اعتصاب دو روزه و کم کاری موفقیتی نداشتند. در کارخانه پارس متال کارگران در دو نوبت به اعتصاب زده و به پیروزی رسیدند. در لندرو اعتصاب کارگران به پیروزی انجامید. اعتصاب کارگران جم موفقیتی نداشت و بالاخره کارگران مبارز تولی پرس بعد از یک هفته جلوگیری از خروج تولید، اعتصاب دو هفته‌ای را آغاز می‌کنند که با پیروزی پایان میرسد.

در کارخانجات ترانس پیک، باطری سازی، فیلیو، پلاستی ران کارگران

با جلوگیری از خروج تولید با موفقیت به بخشی با تمام سود ویژه دست می‌یابند. کارگران فیلیور در یک مبارزه طولانی پیگیریشان را به نمایش می‌گذارند.

مبارزات کارگران در گروه صنعتی زامیاده ایران ترانسفورماتورها، ارج، بنزخاور، جنرال موتورز، توانیر برق، جیت تهران و شهرک اکباتان با اشکال متنوعی از اعتراضات جمعی تا تشکیل مجمع عمومی، از کم کاری تا تهدید به اعتصاب بسط می‌یابد در این کارخانجات کارگران موفق می‌شوند دو ماه دیگر سود ویژه را دریافت دارند.

در کارخانجات سیمان، بوتان کارگران با هدایت شورا موفق میشوند سود ویژه را از چنگ دولت سرمایه‌داران در آورند آنها علیه اخراج مبارزه پیروزمندانهای را پیش می‌برند.

نمونه‌های برجسته مبارزات کارگران در این مقطع، مبارزات کارگران شرکت واحد است که برای دریافت عیدی و پاداش به اعتصاب انجامید. رژیم جمهوری اسلامی این اعتصاب را بنحو رذیله‌های در هم شکست. اعتصابات گسترده‌ای نیز در گروه صنعتی کفش ملی که در واحدهای تاف - یونایتد، کابوره، درخشان و هوفمن شکل گرفت که در اواخر اسفند به تظاهرات چند هزار نفری کارگران در - کارخانه منتج شده و سر انجام در نیمه شب بوسیله پاسداران سرمایه در هم شکسته شد.

مبارزات کارگران شرکت واحد و کفش ملی که موفق به کسب حمایت توده‌های کارگر و زحمتکشان گردید تجلی بارزی از رشد روزافزون

جنبش کارگری در این مرحله است. در آینده نقش سرکوب انجمنهای
اسلامی در مبارزات کارگران بسیار برجسته است. انجمنها علاوه بر
این، در آینده بر سر کسب قدرت با مدیران لیبرال کارخانجات به
شدت درگیر میشوند. ضمن آنکه اتحاد عمل استوار خود را با آنها
برای درهم شکستن مبارزات کارگران، اخراج کارگران پیشرو و انقلابی،
تشدید جو ضد دمکراتیک در کارخانجات حفظ کردند، اما تضاد انجمن
اسلامی با مدیران لیبرال که انعکاس تضاد و درگیریهای شدید
دو جناح ضد انقلابی حاکم، در کارخانجات است، در برخی از کار-
خانجات به تعویض مدیران لیبرال و جایگزینی مدیران مکتبی درون کار-
خانجات منتج گشت. گروه صنعتی کفش ملی نمونه‌ای از این نوع است.
در همین راستا شوراهاى انقلابی در کارخانجات در روند مبارزه به
نظارت و دخالت کارگری در امور کارخانه شدت بیشتری میبخشد شورای
گروه صنعتی کفش ملی شورای شرکت صنعتی توفان، بوتان نمونه‌هائى
از مبارزات این شوراهاست. رشد مبارزات کارگران در آینده نیاز به
سازمانیابی و تشکک را در کارگران تقویت می‌کند بهین جهت است که
مبارزه بر سر سودویژه به مبارزه در جهت ایجاد شوراهاى انقلابی
منجر می‌شود مبارزات کارگران پارس الکتریک، سایپا، اسکویب، دارویش،
باطری‌سازی، در زمره اینگونه مبارزات است.

با قاطعیت می‌توان گفت جنگ در آینده در میان کارگران به
فراموشی سپرده شده است. انعکاس تضادهای درون حاکمیت پیش

از هر دوره دیگر در کارخانه‌ها مورد بحث کارگران است. تنفر از حزب جمهوری اسلامی بیش از هر زمان کارگران را در بر میگیرد. نحوه برخورد بنی‌صدر به حزب جمهوری اسلامی سبب افزایش یا کاهش توهم کارگران نسبت به وی میگردد. ضمن آنکه کارگران بیشتری توهم را نسبت به او در میان سایر دولتمردان دارند به جرات میتوان گفت بیش از هر زمان شعار و رهنمودهای کارگران پیشرو در میان توده کارگران (از جمله سودویزه و کمیسیون تحقیق و...) مادیت یافته و بنکار گرفته میشود. گرایش به سمت نیروهای انقلابی همچنان رشد مییابد.

اپورتونیزم در ایندوره بمنظور خدمت به بورژوازی می‌کوشد بر نا رضایتی توده‌ها سرپوش نهد. در واقع به گونه ترمزی در مقابل عمل مستقیم پرولتاریا می‌باشد آنچه در ایندوره برجسته بنظر میرسد اینستکه مبارزات خودبخودی کارگران حتی از دامنه فعالیت شوراهای انقلابی که بدلیل فقدان اتحاد شوراها از قدرت چشمگیری بر خوردار نیستند نیز فراتر می‌رود. در این مبارزات روح جنگنده، اشتیاق و نظم پرولتری در توده‌های کارگر افزایش می‌یابد. در برخی موارد آنها قطعی‌ترین و عمده‌ترین خواست خود را با انتخاب بهترین موقع مبارزه و مقاومت با شور و شوق به پیش می‌برند. تداوم اعتصابات و افزایش مدت زمان مبارزه از ویژگی‌های مبارزات ایندوره است در این مبارزات کارگران بیش از پیش به درک آگاهانه ایمن

مطلب می‌رسند که تضادی آشفتنی ناپذیر بین منافع آنان و تمامی طبقه سرمایه‌دار و دولتشان وجود دارد.

خلاصه کنیم: عمومی‌ترین خواست کارگران در این مقطع سودویژه، عیدی و پاداش و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل است. از سوی دیگر انتخابات مجدد شورا، تشکیل شورا و جلوگیری از اخراج، مبارزه علیه جو خفتان و سرکوب جنبه دیگر مبارزات کارگران می‌باشد. شکل عمده مبارزه در این مقطع نیز اعتصاب است که با شرکت فعالانه توده کارگران شکل می‌گیرد. کارگران بعیزان زیادی نسبت به گذشته تاکتیک جلوگیری از خروج تولید را بکار می‌گیرند. در این دوره سرکوب مستقیم پاسداران بیش از هر دوره‌ای در پاسخ به خواسته‌های کارگران بیشتر می‌شود. و بهمین دلیل مقابله جوئی و مبارزه علیه ارگانهای سرکوب شدت می‌یابد.

تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته

فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر:

هر چند بررسی عمومی جنبش کارگری در کلیت خویش مبارزات فزاینده پرولتاریای ایران را نشان میدهد اما بدون شك بخشهایی از طبقه کارگر در این دوره از تحرك مبارزاتی بیشتری نسبت به سایر بخشها برخوردار بوده است. در يك بازنگری کلی میتوان گفت که تحولات سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی هم سهم و تاثیر بسزایی در مبارزات طبقه کارگر دارد. از جمله در مقاطعی نظیر سفارت و جنک میتوان این تاثیر را در افت و یا تغییر حرکت نیروهای طبقه مشاهده کرد. در دوره گذشته وقوع جنک ناعادلانه بین دولتهای ایران و عراق بیشترین تاثیر را بر مبارزات کارگران به جای گذاشت. از سوئی افت سنگین اما کوتاه مدتی بر حرکت کل طبقه کارگر بوجود آورد و از تحرك مبارزاتی کارگران بشدت کاست. و از سوی دیگر از کار افتادن بخش عمدهای از صنایع کشور در منطقه جنوب که یکی از قطبهای مهم صنعتی است، بر حرکت بخشی از طبقه کارگر میهنان اثرات مهمی به جای گذاشت. بدین ترتیب که حرکت مبارزاتی پرولتاریای جنوب که از پتانسیل مبارزاتی بالایی برخوردار است ابتدا افت نموده و سپس همراه با خیل زحمتکشان آواره مناطق جنگی عمدتاً " برای تحقق " بهداشت، مسکن و نان برای آوارگان تغییر

همچنین وجود بحران شدید اقتصادی که به در هم ریختگی صنایع کشور منجر شده، روند تولید را در بخشهایی از صنایع به دلیل کمبود مواد اولیه، تکنولوژی، سوخت و ... که خود نتیجه ساخت وابسته صنایع ایران است - متوقف و یا بشدت کاهش داده است. در بخشی از صنایع دولتی توقف و یا کاهش تولید بیشتر از سایر بخشها وجود داشته است. این امر بعلاوه وجود ارتش عظیم ذخیره صنعتی یا خیل بیکاران که ناشی از متوقف ماندن پروژههای صنعتی، ساختمانی، کشت و صنعتها و ... میباشد، خطر بیکاری را در این بخش از صنایع بسیار محتمل می نماید. بهین دلیل ترس دائمی از دست دادن کار و مواجهه با فقر و گرسنگی عامل بازدارندهای در تحرك مبارزاتی این بخش از کارگران محسوب میگردد. چنین وضعی را میتوان در قسمتی از صنایع ماشین سازی از جمله در کارخانجات جنرال موتورز گروه صنعتی سایپا، بنزخاور و ... مشاهده کرد.

بعکس در بخشهایی از صنایع دولتی که نقش حیاتی و استراتژیک دارا هستند، دولت در برابر مبارزات کارگران خیلی سریعتر از صنایع دیگر عقب نشینی داشته است. این امر را میتوان در نفت، صنایع دفاع و یا ... بعینه دید. بدین ترتیب دولت سعی داشته بوسیله امتیازات و انجام رفرمهایی سطحی مانع تحرك مبارزاتی کارگران این بخش و اعتلاء مبارزاتشان گردد.

در بخش صنایع خصوصی بجزرات میتوان گفت که در صد تولید بدلیل وجود تقاضا برای کالاهای این بخش و بازار فروش یا در سطح گذشته باقی مانده و یا حتی سیر افزایش یابنده داشته است. در این رابطه کارگران این بخش از تحرك مبارزاتی بالاتری برخوردار بوده‌اند لیکن سوددهی بالای این بخش عقب نشینی سرمایه‌داران را در برابر مبارزات کارگران سبب گشته است. از جمله در کارخانجاتی چون فیلور، بوتان پلاستی‌ران، درخشان پیمان اصفهان، پرنیت و... این وضع مشاهده میشود.

علاوه بر این عوامل عینی، فاکتورهای ذهنی نیز مشخصاً در مبارزات کارگران نقش داشته‌اند. از جمله میزان تجربه مبارزاتی، سنن مبارزاتی، سطح آگاهی سیاسی - طبقاتی و نیز سطح تشکل کارگران، حضور یا عدم حضور پیشروان و جریانهای سیاسی نقش موثری در مبارزات کارگران به عهده دارد. در درون کارخانجات مختلف میتوان تاثیر این عوامل را در اشکال مبارزات، پیگیر بودن، وجود تشکل و... بخوبی مشاهده نمود. اما از این زاویه بررسی مبارزات طبقه کارگر ایران تکامل ناموزون مبارزه طبقاتی را در مناطق گوناگون صنعتی کشور نیز مشخص میسازد. بدین ترتیب در هر یک از مناطق صنعتی بنا به قدمت وجود کارخانجات در آنجا، تعداد کارگران و رابطه و نزدیکی آنها با روستا و تاثیر آن در ذهنیتشان، جوان و یا قدیمی بودن از لحاظ میزان تجربه مبارزاتی، نوع تولید و تکنولوژی به کار گرفته شده و... مبارزات کارگران

از پتانسیل و توانمندی متفاوتی برخوردار است. مثلا بطور عادی مبارزات کارگران در مناطق جنوب کشور چون آبادان و اهواز و سپس در تهران یا تبریز از تواتر افزایش یابندهای برخوردار است، که در پی آن مبارزات کارگران سایر مناطق چون گیلان، قزوین و غیره قرار میگیرد.

ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر:

تنها نگاهی گذرا به وضعیت جنبش طبقه کارگر، سطح آن، اشکال

مبارزه، تعمیق مبارزات و... خود به روشنترین وجه ذهنیت طبقه کارگر را نشان میدهد. در واقع این نگاه گذرا بروشنی نشان میدهد که پرولتاریا از قیام تا کنون با سیری فزاینده از حاکمیت در مجموع فاصله گرفته و تا حد زیادی از بند توهمات رها گشته است. مجموعه تحولات سریع سیاسی اجتماعی در این دوران، کساکت انقلاب و ضد انقلاب، مبارزات گسترده پرولتاریا و تجارب ناشی از آن، فعالیت وسیع نیروهای انقلابی و کمونیست بمثابة عواملی موثر در تحول ذهنیت طبقه نقش داشته اند.

اما آنچه که در رابطه با تحول ذهنیت طبقه کارگر در یکسال گذشته بعینه دیده میشود، تسریع این پروسه بطورزی بسیار چشمگیر و بی بردن به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی بوده است آزادی جاسوسان آمریکائی و روشن شدن نتایج مبارزه باصطلاح ضد امپریالیستی در عمل، بکار افتادن مجلس و شکل گیری اردنهای حکومتی که سران رژیم از

ابتدا بهبود شرایط را بدان موکول میکردند و وقوع جنگ و ظاهر شدن نتایج فلاکت بار آن، سرکوب گسترده توده‌ها از سوی رژیم، رشد جنبش توده‌ای در نقاط مختلف کشور و ... همه و همه در این تحول سهم داشته‌اند. بدینسان میتوان بجزایرت ادعا کرد که جز در مقاطعی کوتاه مدت نظیر واقعه طبس و یا جنگ، توده کارگران در مجموع به فاصله‌شان با حاکمیت در ذهنشان افزوده‌اند.

اما بی شک این امر در مورد جناح‌های مختلف حکومت به یکسان صدق ندارد. جناح حزب جمهوری اسلامی بنا به نقش فائده‌اش در ارکانهای سیاسی حاکمیت و عملکردهای ارتجاعی آن از به اصطلاح انقلابات فرهنگی در جامعه و کارخانجات، ناتوانی در سازمان دادن امور اقتصادی و سیاسی و سرکوب لجام گسیخته توده‌ها، تا براه اندازی فالانژها باند‌های سیاه، بعلاوه نقش ضد دملراتیک و ضد کارگری انجمن‌های اسلامی وابسته بدان در کارخانجات و افشاکاری انقلابیون و غیره ... و در نهایت بشکل فرعی تبلیغات لیبرالها علیه آن بیشتر از همه مورد تنفر توده‌ها قرار گرفته است

بخشی از لیبرالها منجمله بازرگان با توجه به تجربه عملی توده‌ها و اساسا عملکرد آنها در ذهنیت طبقه جایی ندارند، اما توده کارگران به جوهر طبقاتی لیبرالیسم هنوز آگاهی نیافته‌اند. چرا که زمانی در مقابل بنی‌صدر و شعار "شورا بی شورا" وی قرار میگیرند، اما بسا اوجگیری تضادهای حاکمیت و اتخاذ موضع اپوزیسیون از سوی وی به

خصوصی پس از ۱۷ شهریور توهم کارگران را بر وی انگیزد. این جریان پس از جنگ نیز با افت و خیزهایی همچنان ادامه یافته و پس از جریان ۱۴ اسفند به بالاترین حد خود رسید. البته موضعگیری پاره‌ای از نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین در این امر بی تأثیر نبوده است.

اما ذکر دو نکته در اینجا لازم است نخست اینکه توده کارگران زمانی خود را به بنی‌صدر نزدیک می‌بیند که وی به تهاجم علیه حزب برخیزد و طی سازشهای او شدیداً او را به زیر سؤال می‌کشند. و دیگر اینکه بسیاری از کارگران در مقابل حزب از بنی‌صدر دفاع می‌نمایند ولی امیدی به بهبودی وضعیتشان بوسیله وی هم ندارند، و در واقع فقدان یک آلترناتیو انقلابی و قدرتمند آنها را به آنسو میکشاند. اما آنچه که یکسال گذشته در ذهنیت طبقه کارگر و در حرکات او بویژه چشمگیر بوده است، رشد و تکامل دمکراتیسم در میان پرولتاریا میباشد. در مقطع اردیبهشت ۵۹ اگر سرکوب دانشجویان انقلابی و سازمانهای دمکراتیک مورد مخالفت جدی توده کارگران قرار نمی‌گرفته، اما بتدریج با گسترده‌تر شدن دامنه سرکوب رژیم جمهوری اسلامی و بر ملا شدن نیت اصلی آن حمایت ضمنی و گاه حمایت مستقیم و آشکارا از حرکات انقلابی دانشجویان در میان طبقه نمودار میگردد، مخالفت جدی توده کارگران با اقدامات ضد دمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانجات و مبارزه آنها برای صدور دمکراتیک در کارخانه‌ها خود

جلوه‌ای دیگر از این امر است. همچنین حمایت توده‌ها از جنبش خلقها و جنبشهای توده‌ای و شرکتشان در آنها در نقاط مختلف کشور، مخالفت جدی با سرکوب، چماق‌داری، بازتاب وسیع مسئله شکجه زندانیان سیاسی - انقلابی در میان توده کارگران حمایت آنها از - زحمتکشان خارج محدوده و تنفرشان از سرکوب آنها در تهران - و تبریز و ... خود بیداری طبقه و مبارزه‌اش برای دموکراسی را گواهی میدهد.

از طرف دیگر در این دوره از مبارزات با نطفه نگرش کارگران، به خود بمثابة يك طبقه مواجه میگرددیم بازتاب و انعکاس سریع و وسیع مبارزات و اعتصاب کارگران يك کارخانه در منطقه و در کل طبقه و حمایت و پشتیبانی از این مبارزات از سوی توده کارگران خود نشانگر این امر است. در دوره پس از جنگ بازتاب وسیع سرکوب کارگران شرکت واحد و نقش ملی در میان طبقه و اظهار حمایت و همدردی نمونه‌هایی از این مورد است.

در یکسال گذشته حمایت توده کارگران از حرکت سازمانهای انقلابی و مبارزات انقلابی بیش از گذشته بچشم میخورد. بدینترتیب بجات میتوان گفت که گرایش به سمت نیروهای انقلابی و کمونیست از سوی توده کارگران سیر صعودی داشته، رهنمودهای کمونیستها در مورد مبارزات کارگران در کارخانه‌ها از سوی آنها بکار گرفته شده، کارگران پیشرو در مبارزات نقش عمده تری پیدا نموده‌اند. بطور خلاصه

پروسه تحول و تکامل ذهنی کارگران از "عقب مانده" به "میان" و سپس به "پیشرو" از شکوفائی برخوردار بوده است.

بدینسان طبقه کارگر با تکامل ذهنی و آگاهی خویش در سال گذشته استوارتر و مبارزه با سرمایه‌داران برمی‌خیزد. اما خطاست هر آن فکر کنیم که طبقه کارگر بطور خودبخودی میتواند خود را از قید ایدئولوژی بورژوائی رها سازد. تنها تلاش پیگیر و همه جانبه نیروهای کمونیست در پیوند آگاهی سوسیالیستی با جنبش خودپوی پرولتاریا میتواند این امر را به انجام رساند. چرا که بقول لنین "اغلب گفته میشود که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجانب سوسیالیسم می‌رود این نکته بدان مفهوم حقیقت دارد که نظریه سوسیالیسم علل تیره‌روزی طبقه کارگر را ژرفتر و درستتر از هر نظریه دیگری آشکار ساخته و از اینروست که کارگران به سهولت قادر به جذب آن هستند اما بشرط اینکه این نظریه دستخوش خودبخودی نگردد، بشرط اینکه خودبخودی را تابع خود سازد. این درست است که طبقه کارگر بطور خودبخودی بجانب سوسیالیسم کشیده میشود، با اینهمه ایدئولوژی بورژوائی کسه بیشتر از همه متداول شده‌است و عموماً در شکلهای بسیار گوناگون تجدید زندگی میکند) بطور خودبخودی و بدرجات بیشتر خود را بر طبقه کارگر تحمیل مینماید."

یک جمعیندی کلی

بدینسان در یک جمعیندی کلی میتوان گفت که جنبش خودبخودی طبقه کارگر میهنان در یکسال گذشته در مجموع تکامل یافته است. این جنبش با ارتقاء آگاهی خواستها، تجارب اشکال مبارزاتی، قدرتمند تر از پیش وارد میدان مبارزات میگردد. در اینجا لازم است در مورد "خودبخودی" بودن جنبش نیز توضیح مختصری بدهیم. اطلاق لفظ "خودبخودی" بر جنبش کارگری در حال جریان برای مجزا نمودن آن از مبارزه طبقاتی آگاهانه پرولتاریا میباشد. بدلیل سطح نازل مبارزه آگاهانه کارگران که ناشی از عدم پیوند کافی بین سوسیالیسم و جنبش کارگری است در واقع جنبش کارگری "خودبخودی" میباشد. لنین در توضیح این امر متذکر میشود که: "ما پیوسته نیاز فزایندهای برای پیوند سوسیالیسم به جنبش طبقه کارگر در یک جنبش واحد سوسیالیست دمکراتیک مشاهده می کنیم. زمانی که این پیوند بوقوع پیوندد مبارزه... طبقاتی کارگران شک مبارزه آگاهانه پرولتاریا را برای رهائی از استثمار طبقات مالک بخود میگیرد، و به شکل عالیتری از جنبش سوسیالیستی کارگران - حزب مستقل سوسیالیست دمکراتیک طبقه کارگر تکامل می یابد."

اما اینکه ما جنبش کارگری را در سال گذشته خودبخودی می نامیم به هیچ وجه بدین مفهوم نیست که این جنبش با سال قبل از آن و قبل از قیام تفاوتی ندارد. لنین در توضیح این مفهوم و در مقایسه

جنبش کارگری روسیه در سالهای هفتاد و نود هر دو را جنبش خودبخودی می‌نامید ولی تفاوت آنها را چنین بیان می‌کرد: "لیکن حرکات خودبخودی با هم فرق دارند. در سالهای هفتاد و در سالهای شصت (و حتی در نیمه اول سده ۱۹) هم در روسیه اعتصابات روی داده که تخریب "خودبخودی" ماشینها و غیره را همراه داشت. اعتصابات سالهای نود را بنسبت به این "عصیانها" حتی میتوان "آگاهانه" نامید. گاهی که جنبش کارگری طی این مدت به جلو برداشته تا ایندرجه عظیم است. این امر نشان میدهد که عنصر "خودبخودی" در واقع شکستل جنبشی آگاهی است" با چنین توضیحی بررسی و تحلیل جنبش کارگری ایران به اثبات میرساند که این جنبش گامهای عظیمی به جلو برداشته است. ارتقاء آگاهی کارگران عامل اعتراض آگاهانه در مبارزات مبارزات وسیع اقتصادی که در ادامشان به مبارزه سیاسی گذر میکنند مبارزات و مطالبات دمکراتیک در زمینه سلسلی پیش‌بودن توأم مبارزه اقتصادی و سیاسی کوشش برای جایگزینی نظم نوین تولیدی در کارخانجات رشد دمکراتیسم در میان طبقه و دهها مورد دیگر خود گواهی بر گسترش مبارزه کارگران در سطح و در عمق میباشد.

اما مورد دیگری نیز که در مبارزات کارگران میتوان جمعیندی نمود ثابت قدمتر کشتن آنها در مبارزات است. بدینترتیب که تواتر اعتصابات و فاصله بین دو اعتصاب در یک رنگانه کوتاهتر از پیش شده و زمان اعتصابات طولانیتر از گذشته است. بعبارتی بیکار مبارزاتی کارگران

از مبارزات موقت و زودگذر، به مبارزه دائم و ثابت و استوار گذر کرده است. یعنی مبارزات کارگران از نظر زمانی تداوم یافته، بر سر یک خواست مشخص چون سود ویژه، مدت‌های طولانی مبارزه ادامه یافته و در عمق پیگیرانه جریان می‌یابد.

این‌ها تمام نشانه‌هایی از تکامل جنبش کارگری در مجموعه خویش است. وسعت و عمق جنبش کارگری، بیداری توده‌ها و مقابله بی‌امان آنها با بورژوازی، تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی، ارتقاء تجارب و آگاهی کارگران در کساکش انقلاب و ضد انقلاب، بحران عمیق اقتصادی و سیاسی، علاقه‌مندی و شوق کارگران در کسب آگاهی سیاسی - طبقاتی و ... همه و همه وظایف پس‌سنگین بر دوش جنبش کمونیستی ایران قرار می‌دهد. وظایفی که با تمام سنگینی خویش و با تمام ضعف‌ها، ناتوانی‌ها و پراکندگی‌های حاکم بر جنبش کمونیستی پاسخگوئی بدانها ضرورتی روزافزون می‌یابد. هر گونه عدم سمتگیری برای پاسخگوئی بدین نیازها تکامل جنبش کارگری - کمونیستی و مبارزه سوسیالیستی با فعالیت آگاهانه طبقاتی را به تأخیر انداخته و بهای پس‌گزافی برای جبران آن باید پرداخت. پس این رهنمود داهیانة لنین کبیر را فورا روی خویش قرار داده و با تمام توان برای تحقق آن بکوشیم:

" پس دست بکار شویم، رفقا! اوقات گرانبها را تلف نکنیم! در مقابل سوسیال دمکرا -
تهای روس برای برآوردن احتیاجات

برولتاریا که از خواب بیدار میشود،
برای متشکر کردن جنبش کارگری،
برای تقویت گوههای انقلابی و ارتباط
متقابل آنها، برای تامین کارگران از
لحاظ مطبوعات ترویجی و تبلیغاتی
و برای جمع کردن محافل کارگری
و گروههای سوسیال دمکرات که
در اطراف و اکناف روسیه پراکنده‌اند
در يك حزب کارگری سوسیال دمکرات
يك دنيا کار وجود دارد"

"پایان"

www.iran-archive.com

از انتشارات
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

تکثیر از : سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار
انسان در یکسایه فدایی خلق ایران